

نقد کتاب

اسناد آرامی متعلق به قرن پنجم پیش از میلاد

G. R. Driver نویسنده Aramic Documents of the Fifth Century B.C.

اسناد فقه‌اللغة زبانهای ساهی در دانشگاه اکسفورد، بهمکت سوادی کار توسط H. J. Polotsky، F. Rosenthal، E. Mittwoch، W. B. Henning تهیه شده، اکتوبر ۱۹۵۷.

این اسناد که از اسناد اصیل دوران هخامنشی است و از احاظ تاریخ این خاندان و حکومت آنان اهمیت اساسی دارد، شامل چندین نامه کامل (روی پوست) و تعدادی قطعات و خردهای کوچک و گسیخته، و چند قطعه گل ممهو راست.

از سیزده نامه کامل که در کیسه چرمی محتوی این اسناد یافت شد^۱، ده نامه از طرف «ارشام» شهربان (ساترآپ) هخامنشی مصر صادر گردیده و سه نامه دیگر نیز بنحوی بوی و یا کارگزار وی «نهتی‌هور Nehtihur» در مصر ارتباط می‌یابد و با احتمال بسیار قوی همه این اسناد متعلق بضبط همین «نهتی‌هور» است که مجموعاً هفت نامه خطاب باوست، و هضمون و سایر نامه‌ها نیز با مربوط می‌شود. آنچه بخصوص این حدث را قوت می‌بخشد نامه‌ای است بنام وی که در حکم «گذرنامه» اوست برای سفر از بابل به مصر. درین نامه ارشام به‌اموران ورؤسای نواحی که میان مصر و بابل بوده‌اند دستور میدهد که وقتی نهتی‌هور از قلمرو آنها می‌گذرد آذوقه اوزرا بدھند و او را یاری کنند: «... اما بعد، بدانکه، یک‌نفر بنام نهتی‌هور، مأمور من، به مصر میرود. باو

۱ در آغاز نامه رؤسای نواحی را با قلم می‌برد. ص ۲۸ کتاب دیده شود.

از املاک‌من که در ناحیه‌شماست هر روز دو پیمانه آرد سفید، سه پیمانه آرد متوسط^(۱) دو پیمانه شراب یا آبجو، یک گوسفند بدهید؛ و برای خدمه اش (که) ده تن‌اند روزانه یک پیمانه آرد برای هر یک، (و) کاه بر حسب (عدد) اسبابش. و (نیز) برای دو (نفر) کیلیک‌کیهای (و) یک صنعتگر - هرسه از خدام من - که بمصر می‌روند، هر یک روزانه یک پیمانه آرد بدهید. هر یک از شما کارداران این آذوقه را بنویس و بر حسب (مراحل) سفرش از ولایتی بولایتی بدهید تا بمصر برسد، واگریش از یک روز در هر نقطه بماند، برای آن روزها دیگر آذوقه ندهید. منشی: راشت *Rāšt*، با اطلاع بگَ سرو *Bagasarva*^(۲)

این نامه‌ها اصولاً نامه‌های خصوصی است نه نامه‌های دیوانی، اما نظر باهمیت مقام ارشام و تعلق او بخاندان شاهی، موضوع نامه‌ها غالباً بمسائل عمومی ارتباطی دارد و از آنها بسیاری نکات سودمند درباره احوال عمومی زمان و کیفیت اداره املاک و اقطاعات وغیره بدست می‌آید.

موضوع عمومی این نامه‌ها امور مریوط باداره اقطاعات ارشام و یا دیگر بزرگان ایرانی در مصر، ووصول و ایصال عایدات آنها^(۳)، ومسائل و مشکلاتی است که درین زمینه پیش می‌آید، از قبیل واگذاری حقوق پدری بپسرش که در مبارش املاک جانشین پدرشده^(۴) سپردن شغل پدری که در گذشته است بپسرش دراستیجار املاک^(۵)، اقداماتی که مبارز باید برای نگاهداری تیول شهر بان و افروden کارورز و کشاورز بکند^(۶)، رها کردن یک دسته سرباز که اشتباهآنان را بازداشت‌هند^(۷)، توبیخ مأموری که از واگذاری بعضی افراد به مأموری دیگر خودداری کرده و نیز مرتكب حمله و ضرب و سرقت شده است^(۸)، دستور تنبیه یک دسته بردگانی که اموال مأموری را که رئیس آنها بوده ربوده و گریخته‌اند^(۹).

۱- این کلمه را می‌توان *جَنَاحَةً* - *جنحه* یا *جَنَاحَةً* - *جنحه* خواند. معنی هیچیک بدرسی روشن نیست، ولی اولی رامیتوان «وازده» معنی کرد. از من پیداست غریب آرد پست نراست. (بیادداشت‌های ص ۶۰ رجوع شود)
 ۲- نامه‌های ۱۱۱۰ ۳- نامه ۷ ۵- نامه ۲ ۶- نامه ۵
 ۷- نامه ۱۲۰۰ ۸- نامه ۳

سه نامه ازین نامه‌ها ارتباط مستقیمی به اداره اقطاعات ندارد، ولی بارشام و نهتی هورمر بوط است. از جمله دریکی ارشام بکار گذاش خود دستور میدهد که آذوقه وسائل پیکر سازی از خدمه او را مانند سایر خدمه فراهم سازد تا او مجسمه یکتن سوار را با مجسمه‌های دیگر بسازد و این مجسمه‌ها بی‌درنگ برای ارشام فرستاده شود^۱ (ارشام ظاهراً این نامه را در موقع اقامت خود در شوش نوشته است. ص ۱۲-۱۰)؛ و در نامه دیگری یکی از مأموران ارشام از نهتی هوربرای فرستادن جامه (؟) کتان و دو پوست ارغوانی رنگ تشكیر میکند^۲.

در ذیل قسمت عمده این نامه‌ها که از دیوان ارشام صادر شده نام دبیر و هم‌چنین یکتن دیگر از کارداران که موضوع نامه در قلمرو کارهای او بوده است ذکر شده (معمولاباعیاد: با اطلاع فلان است، و دبیر فلان است). اما هیچیک از نامه‌ها، بخلاف نامه‌های آرامی که در «الفانیون» مصروف متعلق بهمین قرن یافت شده تاریخ ندارد، از این رو در بادی امر تاریخ قطعی این نامه‌ها و نیز هویت ارشام شهربان مصوب است نمی‌باشد. اما از قرائن دیگر میتوان هر دو نکته را روشن ساخت.

نام ارشام در این نامه‌ها عموماً با عنوان ۲۶ بیهقی^۳ (BR BYT) یعنی «شاهزاده» ذکر شده، بنابراین ارشام باید از خاندان هخامنشی باشد. در میان هخامنشیان مجموعاً بیش تر بنام ارشام بر میخوریم^۴ :

۱ - ارشام نیای داریوش بزرگ (در حدود ۶۰۰ ق. م.)

۲ - ارشام فرزند داریوش، شهربان مصر، یکی از فرمادهان سپاه خشایارشا که ظاهرآ در جنگ سالامیس کشته شد (۴۸۰ ق. م.).

۱ - نامه ۹ - نامه ۱۳ - این عنوان آرامی ترجمه کلمه ایرانی *risiputira* (در اوستائی: *pispura*، در پارسی: *rispubr*، در سغدی بودائی: *rispura*) و درختنی *bāṣīrrāssai* (فارسی: وسپور) معنی شاهزاده است (لفظاً معنی فرزند خاندان شاهی). در بابلی جدید مثل آرامی بد و در عربی به «أهل البيوتات» ترجمه شده تصفحه ۴۱ دیده شود.

۲ - صفحه ۹۲ از کتاب مورد بحث و درسال ۱۹۵۴ بطبع رساید (*editio princeps*).

- ۳ - ارشام دیگری، ممکن‌باشد ارشام فوق، که در سال ۴۵۵ ق.م. شهربان مصر شد و در برانداختن خشایارشای دوم و بتخت نشاندن داریوش دوم دست داشت.
- ۴ - ارشام فرزند خردمند و نامشروع اردشیر دوم که در ۳۵۸ ق.م. کشته شد.
- ۵ - ارشام پدر داریوش سوم.
- ۶ - ارشام فرزند اردبازو، از سرداران داریوش سوم که در جنگ ایوس (۳۳۳ ق.م.) کشته شد.

حال گذشته از نامه‌هایی که موضوع بحث است، نامه‌های دیگری نیز در الفانین مصر روی پاپیروس یافت شده که بعضی را ارشام نامی، «شهربان مصر» صادر کرده و در بعضی دیگر از همین ارشام نامبرده شده است.

هم چنین نه لوحه بخط میخی و بزبان «بابلی جدید» بحسب آمده است که موضع آنها تقاضای واگذاری قسمتی از اغنام ارشام نامی از بزرگان در بابل است در برابر عایدی جنسی سالیانه‌ای که دقیقاً تعیین گردیده.

در پاپیروس‌های آرامی (منظور نامه‌ها و اسنادی است که روی پاپیروس نوشته شده و ذکر آنها گذشت) ولوحه‌های بابلی، اسناد موّرخ است. تاریخ لوحه‌های بابلی میان ۳۳۳ و ۳۰۴ ق.م. قرار دارد و تاریخ پاپیروس‌های آرامی مربوط با ارشام میان ۲۸۰ و ۲۰۸ میلادی.

با احتمال قوی میتوان دانست که ارشام اونهای را با ارشام پاپیروس‌ها یکی است. و نیز از قرائی متعدد بر می‌آید که این ارشام همان ارشام مذکور در نامه‌های پوستی مصر است؛ از جمله خط و سبک انشا و بعضی اصطلاحات نامه‌ها و پاپیروس‌ها یکی است (س. ۹ دیده).

- ۱ - مجموعه این پاپیروس‌ها را که شامل نامه‌ها و اسناد و بعضی قطعات ادبی است و از جمله شامل ترجمه آرامی قسمتی از کتبیه پیستون و نیز روایت آرامی «سخنان احیقر» است A. Cowley در *Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C.* منطبعه اکسفرد، ۱۹۲۳، انتشارداده است. برای نامه‌های مربوط با ارشام بپاپیروس‌های شماره ۱۷ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۴۱۰ و ۴۴۱۱ و ۴۴۱۲ و ۴۴۱۳ و ۴۴۱۴ و ۴۴۱۵ و ۴۴۱۶ و ۴۴۱۷ و ۴۴۱۸ و ۴۴۱۹ و ۴۴۲۰ و ۴۴۲۱ و ۴۴۲۲ و ۴۴۲۳ و ۴۴۲۴ و ۴۴۲۵ و ۴۴۲۶ و ۴۴۲۷ و ۴۴۲۸ و ۴۴۲۹ و ۴۴۳۰ و ۴۴۳۱ و ۴۴۳۲ و ۴۴۳۳ و ۴۴۳۴ و ۴۴۳۵ و ۴۴۳۶ و ۴۴۳۷ و ۴۴۳۸ و ۴۴۳۹ و ۴۴۳۱۰ و ۴۴۳۱۱ و ۴۴۳۱۲ و ۴۴۳۱۳ و ۴۴۳۱۴ و ۴۴۳۱۵ و ۴۴۳۱۶ و ۴۴۳۱۷ و ۴۴۳۱۸ و ۴۴۳۱۹ و ۴۴۳۲۰ و ۴۴۳۲۱ و ۴۴۳۲۲ و ۴۴۳۲۳ و ۴۴۳۲۴ و ۴۴۳۲۵ و ۴۴۳۲۶ و ۴۴۳۲۷ و ۴۴۳۲۸ و ۴۴۳۲۹ و ۴۴۳۳۰ و ۴۴۳۳۱ و ۴۴۳۳۲ و ۴۴۳۳۳ و ۴۴۳۳۴ و ۴۴۳۳۵ و ۴۴۳۳۶ و ۴۴۳۳۷ و ۴۴۳۳۸ و ۴۴۳۳۹ و ۴۴۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۱۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۳ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۴ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۵ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۶ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۷ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۸ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲۹ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۳۰ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۱ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳۲ و ۴۴۳۳۳۳۳۳۳ و ۴۴۳۳۳

شود)، نیز در نامه‌های مورد بحث دوبار اشاره به حدوث شورش و بلوا در مصر می‌شود^۱ و هم از عبارت چندین نامه بر می‌آید که ارشام این نامه‌ها را از خارج مصر (محتمل‌باشی و شوش) فرستاده است. از طرفی پایپرسهای آرامی متذکر می‌شود که ارشام در سالهای ۱۱، ۱۰ ق. م. بعلت وقوع شورش در مصر از مصر خارج شده بوده است و در سال ۸۰ ق. م. به مصر باز گشته. از این‌رو می‌توان تقریباً مطمئن شد که این نامه‌ها متعلق بازشامی است که در سال ۴۵۵ پ. ش. شهربانی مصر بین گزیده شد و اقلان سال ۳۰۳ پ. ش. شهربان مصر بوده (فریب نیم فرن) - و بنابراین این همان ارشامی است که کتریاس در «کتاب پولیenus Polyaenus در کتاب *Strategemata* از او نام می‌برند (ص ۹۶-۹۲).

این نامه‌ها همه بزبان آرامی، یعنی زبانی که در دوزه هخامنشی برای مراسلات دیوانی و ارتباط میان کشورهای مختلف شاهنشاهی بکار میرفته نوشته شده و زبان آن مطابق است بازبان پایپرسهای آرامی متعلق بهمین قرن که در الفانتین مصر یافت شده که اصطلاحاً آنرا زبان «آرامی شاهنشاهی» (*Reichsaramäisch*) نامیده‌اند.

هر چند زبان نامه‌ها آرامی است، ولی عده زیادی اسماء و عنوان‌ین و لغات و اصطلاحات ایرانی در این نامه‌ها آمده و از این‌رو این اسناد از احاظ فرهنگ و لغت ایران نیز دارای اهمیت خاص است. همچنین بنظر می‌رسد بعضی عبارات آرامی ترجمه عبارات مصطلح پارسی باستان باشد. بعضی از هزار شهابی خاص به لوح و پارتی را نیز می‌توان در این نامه‌ها دید.

پرتال حام علوم انسانی

این اسناد را در سال ۱۹۵۴ پرسور G. Driver براساس طرحی که مرحوم پرسور E. Mittwoch و پرسور H. J. Polotsky و پرسور W. B. Henning تهیه کرده بودند و شامل قرائت و ترجمه مقدماتی و مقدمه تاریخی و یادداشت‌های لغوی و غیره بود انتشارداد و تصاویر اسناد را نیز در آن بطبع رسانید.

نظر بتنوع مسائلی که درین نامه‌ها پیش می‌آید و تنوع زبانهایی که درین نامه‌ها منعکس است، مؤلف در تهیه یادداشت‌های توضیحی از عده‌ای دانشمندان ذیفن کمک

۱- نامه‌های سطر ششم و نامه‌های سطر اول

خواست. امانقصی که در طبع اول کتاب دیده میشداین بود که درین یادداشتهای بخصوص یادداشتهای مربوط با اسمی و لغات و اصطلاحات ایرانی، نظریات مختلف این دانشمندان بهم آمیخته بود و خواننده غالباً نمیدانست نظری که بیان شده متعلق بکیت و تاجه حد قابل اعتماد است.

در کتاب اخیر که با حذف تصاویر نامه‌ها و قطعات کوچک، وحذف متون بابلی و یونانی، و تجدیدنظر در یادداشتهای توفیحات و تکمیل آنها، و افزودن فهرست قطعات کتاب مقدس بطبع رسیده است، این نقص تاحدی بر طرف گردیده و بخصوص یادداشتهای متعددی که درباره لغات و اصطلاحات و اسمی ایرانی است کاملتر شده.

درین باب مؤلف خودرا مديون پرسور هنینک استاد دانشگاه لندن میشمارد که چنان‌که در مقدمه میگوید با کمال مساعدت و گشاده دستی بکمال وی شتفتند و در کلیه این‌گونه یادداشتهای تجدیدنظر گرده و در حقیقت بیشتر نزدیک بهمه آنها را از تو تحریر گرده است (ص VI)

از این تجدیدنظر که بدست ایران‌شناسی متبخر و صاحب‌نظر انجام گرفته، فوائد بسیار حاصل میشود. در بسیاری ازین یادداشتها مواد تازه افزوده شده و اشتقاقات تازه پیشنهاد گردیده. و بعضی اشتباهات یا احتمالمات نازرو اکه در طبع قبلی دیده میشد نیز اصلاح گردیده است.

مثلا در یادداشت مربوط به کلمه *bd̥rykr*^۱ که نوبت گ آنرا به معنی «معاون» و مشتق از *kara* گرفته، اشکال این اشتقاق (آمدن *d* بجای *r*) بیان شده و دو اشتقاق محتمل دیگر *bāriya-kara* (مربوط با باریک فارسی) و *brāya-kara* (مربوط به *(h)rā* پهلوی و «براه» فارسی) اضافه گردیده. همچنین در یادداشت راجع به کلمه *asprnā* = *sprn*^۲ در فارسی باستان = کامل، تمام (مربوط با «سپری» فارسی) یادداشت بصورت منظم و روشنی ترتیب داده شده و معادلهای ختنی

۱ - ص ۷۶ از کتاب، وص ۲۹ از

۲ - ص ۲۶ از کتاب، وص ۳۱ از

وارمنی (*spar*) و پارتی و فارسی میانه (*ispur(r)ig* و *ispur(r)*) ذکر شده، از نمونه‌های گویای اینگونه اصلاحات یادداشت درباره نام آرهاخی = *nhy* است (ص ۸۴^۱) که جزء اول آن *arta* فارسی باستان است ولی از انتساب جزء دوم به - *ahya* اوستائی و *xem* پهلوی و «خیم» فارسی که در طبع اول دیده میشد صرف نظر شده و بحقیق بنویست در این باب اشاره گردیده و هنینک نیز در یادداشتی این کلمه را از *hyxw* در سعدی بودائی و *rtqū* و *rtax* در سعدی مانوی و *renxxv* در خوازمه و *rdak* سعدی بمعنی «صادق» جدا شمرده است.

در نامه سیزدهم کلمه‌ای که قبلاً *patalita* خوانده شده و با - *ptstw* اوستائی و *patit* پهلوی هربوط شمرده شده بود آکمون بتوصیه هنینک *ptstw* خوانده شده که صورت ایرانی آن را باید توکیبی از *pali* و فعل *stu* ا - ستودن، شمرد. در یادداشت هربوط به کلمه بی *zvta* = *BR BYT* = «شاهزاده» مطالب مکمل شده و توضیحات بصورت منظم تری تدوین گردیده و صورت ارمنی و سعدی بودائی و ختنی و فارسی آن نیز اضافه گردیده است.

در یادداشت هربوط بی *zvta* = *ssasy* = اسب^۲ که معمولاً در آرامی و در بسیاری زبانهای دیگر از کلمه‌ای هند و اروپائی مشتق شمرده میشود، دلائلی برای آنکه این کلمه و *sisii* در بابلی *sim* و غیره در هصری و *zvta* در او گارید، و «وسواس» بمعنی سریع در عربی، همه از صدائی که حاکمی از سرعت اسب است گرفته شده باشد بیان گردیده.

با آنکه در این طبع که با اصلاحات و تغییرات شایسته‌ای که در آن بعمل آمده یادداشتهای توضیحی روشن تر و سنجیده‌تر است، اما هنوز نمیتوان گفت

۱- ص ۳۵ *edit. prin.*

۲- ص ۱۴ کتاب وض ۱۲ *edit. prin.* و حاشیه شماره ۳ صفحه ۹ این مقاله رجوع شود.

۳- ص ۷۳ کتاب *edit. princ.* ۲۹

ابهایی که در مورد انتساب نظریات توضیحی بصاحبان آنها در طبع اول وجود داشت بکلی رفع شده. چه در حالتیکه در بعضی یادداشتهای کلمات ایرانی اشاره بقول کسانی چون بنویست و نویرم و اندرهاس و هینک و قلگدی و روزنال و دیگران هست و یا مطلب اساساً از فرهنگ بار تو اومه استخراج شده، در بعضی موارد دیگر انسان نمیداند نظری که اظهارشده حقاً از کیست.

مثلاً دریاد داشت مربوط بنام ایرانی *آرتواهی* = *artwahy* (ص ۷۱) (مرکب از *art-* و *-ohi* یا *-oi* - در فارسی باستان)؛ و در یادداشت مربوط به ۶۶۲^۱ *hada-abigāva-* <*hd'bgw*=*hndrz*^۲، اندرز (ص ۷۵)؛ و دریاد داشت مربوط به ۶۶۳^۳ *xvandah* که در فارسی باستان بمعنی «بارج» (ص ۷۷)؛ و دریاد داشت مفیدی که درباره نمایاندن «ج» ایرانی با «ش» آرامی آمده (ص ۸۱) بدرستی نمیتوان دانست نظر از کیست. هر چند این کتاب از حیث طبع ممتاز است (خاصه با در نظر گرفتن خطوط متنوعی که در آن بکاررفته) باز تعدادی غلطهای مطبعی در آن راه یافته.

از این جمله است در ص ۱ سطر ۵ که *xvandah* زائد است؛ و ص ۵۳ سطر ۴ که *xvarnah* آمده، و همان صفحه سطر ۲۸ که *-yar/gar* بجای *-yav/gav* آمده، و باز در همان سطر *aram* بجای *avam* و *avarah* بجای *ašyiyavah* بجای *-as*؛ و در ص ۲۳ سطر ۱۳ *Gershewitz* بجای *Gershewitch*؛ و در ص ۸۳ سطر ۶ *(h)rāispagiyam* که «ss» در آن زائد است.

در خاتمه باید گفت که نامدهایی که در این کتاب بطبع رسیده از اسناد مهم تاریخ هخامنشی بشمار میروند و کسی که در تاریخ حکومت این خاندان و تمدن و اصول اداری آن تحقیق میکند از مطالعه آنها بی نیاز نمیتواند شد. یادداشتهای توضیحی نیر بخصوص بالصلاحی که در آنها بعمل آمده از لمحاظ مطالعات ایرانی بینهایت سودمند است.

احسان یارشاстр